هو العلیم

اهمیت رفیق سلوکی و معیار انتخاب آن

برگرفته از تألیفات

حضرت علامه آیةالله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی

قدّس الله نفسه الزکیّه

منبع: آیةالله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی، اسرار ملکوت، ج3، ص 297.

‌

بسم الله الرّحمن الرّحيم‏

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین

و لعنَةُ اللهِ على أعدائهِم اجمعین‏

# اهمّیت رفیق طریق و یار موافق در سیر و سلوک الی الله

مطلب بسیار مهم دیگر که سالک باید اهتمام بلیغ نسبت به آن داشته باشد، مسألۀ رفیق طریق و شریک راه و یار موافق است که همۀ اولیای الهی و اهل تربیت و معرفت نسبت به آن اهتمام و تأکید داشته اند.

رفیق طریق در سیر و سلوک برای سالک از نان شب واجب تر و از هر چیز لازم تر است؛ و این نه به جهت انس و الفت و رفع دلتنگی و نشاط است، بلکه به جهت دستگیری و ارائۀ طریق در مسائل شبهه ناک و ابهام آمیز است. رفیق آن است که پیوسته به مسائل دوست و صدیق خویش بنگرد و موارد شبهه آمیز را به او متذکّر شود و او را به راه راست هدایت کند و بر طریق صحیح دلالت نماید؛ چنانچه بعضی از حکماء چنین فرموده است:

صَدیقُک مَن صَدَقَک لا من صَدَّقَک؛

«رفیق و دوست مناسب آن کس است که راست را به تو بنمایاند و حق را به تو بشناساند؛ (نه کسی که پیوسته تو را تأیید کند و عمل ناپسند تو را نادیده انگارد تا مبادا آزرده خاطر نشوی و رشتۀ محبّت و دوستی‌ات را با او قطع نکنی، این رفیق خائن است نه رفیق.)»[[1]](#footnote-1)

سالک باید ارتباط خود را با افراد غیر، منحصر در مسائل ضروری و روزمرّه و متعارف قرار دهد؛ و با رفیق طریق، یعنی آن فردی که همراه با او به موازین سلوک عمل می نماید و به مبانی معرفت پایبند می باشد و او را پیوسته به سوی آخرت و تحصیل رضای الهی سوق می دهد و نشستن با او روح و نفس او را آرام و منبسط و با نشاط می سازد و از دنیا و زخارف دنیا برحذر می دارد و طمع او را نسبت به مادّیات و امور اعتباری و وادی توهّمات و تخیّلات از بین می برد، حشر و نشر داشته باشد و با او انس و الفت برقرار نماید و اسرار خود را با او در میان نهد و از روح و نفس او برای سیر و حرکت خود مدد گیرد.

# تأثیر شگرف و اهمّیت رفیق طریق

اهمّیت و تأثیر شگرف رفیق آن‌قدر است که بزرگان فرموده‌اند:

الرَّفیقَ ثُمَّ الطَّریق؛ «ابتدا رفیق طریق را جستجو نما، سپس پای مردی در راه خدا بگذار.»[[2]](#footnote-2)

أمیرالمؤمنین علیه السّلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

أعجَزُ النّاسِ مَن عَجَزَ عَن اکتِسابِ الإخوانِ و أعجَزُ مِنهُ مَن ضَیَّعَ مَن ظَفِرَ بِه مِنهُم؛

«ناتوان‌ترین مردم کسی است که نتواند رفیق صالح و مناسبی برای خویش به‌دست آورد، و بیچاره‌تر از او کسی است که پس از رفاقت با چنین رفیقی او را از دست بدهد.»[[3]](#footnote-3)

رفیق باید انسان را فقط برای راه و سلوک الی الله بخواهد و هیچ مقصود و منظوری را ورای این مطلب در نظر نیاورد، و باید بداند اگر همراه با این منظور به سایر امور از قبیل مال، وجاهت، شهرت و کسب و پیشه و سایر امور دنیوی نظر داشته باشد، خداوند همان مقصود را وبال و موجب آبروریزی و ذلّت او خواهد نمود.

# معیار انتخاب رفیق راه

سالک در انتخاب رفیق فقط باید خدا را در نظر داشته باشد، نه موقعیّت‌های افراد را؛ زیرا این‌گونه ارتباطات در شأن امور اجتماعی و روابط بین افراد عادی و دنیوی و مادّی است.

رفیق در ارتباط با پروردگار پیوسته رفقای خودش را همراه و هم‌صحبت و هم‌گام قرار می‌دهد، و اگر فیضی از جانب حق متوجّه او گردد به سایر افراد نیز ساری و جاری خواهد شد. دعا می‌کند، ولی در حقّ رفیقش مستجاب می‌گردد؛ زیارت می‌خواند، برای رفیقش ثواب زیارت می‌نویسند؛ صدقه می‌دهد، برای رفیقش نیز به حساب می‌آورند، و همین‌طور... .

البته با توجّه به مطالب ذکر شده، دیگر رفیق آن فرد نیست که اسم سالک بر خود نهاده و در مجالس و محافل به عنوان شاگرد و راهرو این مکتب خود را قلمداد کند؛ بلکه آن فردی است که پایبند به مبانی و موازین سیر و سلوک باشد و امتحان خود را در مواقف مختلف و شرایط گوناگون داده باشد و از ارتباط با انسان فقط و فقط خدا را در نظر داشته باشد.

و بدین لحاظ است که بزرگان فرموده‌اند:

«راه خدا با رفیق موافق بسیار سهل‌تر و هموارتر خواهد بود تا به تنهایی و بدون دوست و رفیق همراه.»

سالک باید برای خود از بین افراد و اشخاصی که داعی سیر و حرکت الی الله را دارند و خود را از منتسبین به این مسیر و مکتب می‌شمارند، افرادی را برگزیند که همنشینی با آنان موجب نشاط روح و انبساط قلب و پیدایش شور و عشق و حرارت به سوی پروردگار باشد.

رفیق سالک نباید فردی شکّاک و وسوسه‌گر و بدبین و منفی‌نگر باشد که صحبت با چنین افرادی موجب سردی خاطر و دل‌شکستگی و خستگی جان و روان خواهد شد.

بلکه به عکس، باید با مثبت‌گرایی و دمیدن روح نشاط و امید و سیمایی متبسّم و با طراوت، موجب ثبات قدم و طمأنینۀ قلب و استقامت در مسیر گردد، و با خوش‌بینی به اطراف بنگرد و در هر مسأله‌ای ابراز یأس و ناامیدی ننماید و افراد را نسبت به عاقبت سیر بدبین نسازد و آنان را دلسرد و ناامید نگرداند و کوتاهی دیگران را به رخ انسان نکشد و توقّف و یا انحراف برخی را به عنوان یک حکم عام، شامل همه افراد نسازد؛ بلکه به موارد مثبت نظر بیندازد و جریانات دلگرم کننده و امید دهنده را همیشه مطرح نماید.

سالک باید رفیقی را برای هم‌دمی و هم‌نفسی و هم‌صحبتی بگزیند که پیوسته در صدد دفع و رفع شبهات و ابهامات او باشد، و با کلام و رفتاری دلنشین غم و اندوه را از چهرۀ دل و سیمای او بزداید، و مشکلات خویش را به او منتقل ننماید و او را از حرکت و سیر باز ندارد.

سالک در ارتباط با گزینش رفیق نباید صرفاً به خنده‌ها و تواضع‌ها و فروتنی‌ها و محبّت‌های مقطعی و زودگذر و اظهار مودّت و محبّت و علاقۀ افراد بسنده کند، چه بسا این امور دیر یا زود در گذر فراز و نشیب‌ها و شرایط گوناگون تغییر پیدا کند و انسان را دچار حیرت و تعجّب و دلسردی نماید؛ بلکه باید به فهم و ادراک و بینش و میزان رسوخ و نفوذ مبانی و موازین سیر و سلوک در قلب و رفتار او بنگرد، و در هر حال باید خود را به خدا بسپارد و فقط از او استمداد نماید و بداند که فقط اوست که برای او باقی می‌ماند؛ چنانچه در آیۀ شریفه می‌فرماید:

﴿كُلُّ شَيءٍ هَالِكٌ إلا وَجهَهُۥ﴾؛ «همه چیز و همه اشیاء بالأخره روزی به وادی فناء و بوار رهسپار خواهند شد، و فقط و فقط ظهور پروردگار است که باقی و فانی نشدنی است.»[[4]](#footnote-4)

اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. مطلع انوار، ج ٣، ص ٤٤.

این عبارت در مجامع روایی موجود یافت نشد، لیکن در کشکول شیخ بهایی، ج ١، ص ١٣٦؛ و ج ٣، ص ١، و بسیاری از کتب به نقل از حکما آمده است. (محقّق) [↑](#footnote-ref-1)
2. شیخ مفید در الاختصاص، ص ٣٣٦، این عبارت را از لقمان حکیم نقل نموده؛ لیکن در محاسن برقی، ج ٢، ص ٣٥٧؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٢٦٧ از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم نقل نموده‌اند. (محقّق) [↑](#footnote-ref-2)
3. نهج البلاغة (عبده)، ج ٤، ص ١٤٠. [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره قصص (28) قسمتی از آیه 88. [↑](#footnote-ref-4)